

نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش‌های آنان در زمینه ازدواج در پیش‌بینی نگرش فرزندان به ازدواج

شهره روشنی^۱

چکیده

نگرش به ازدواج از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم رضایت پس از ازدواج است و مطالعه آن می‌تواند در درک زمینه‌ها و علل تأخیر ازدواج مؤثر باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش‌های آنان در زمینه ازدواج در پیش‌بینی نگرش فرزندان به ازدواج به‌روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران بود که از بین آنان ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد نگرش به ازدواج، و پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته سنجش آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و سنجش رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی گردآوری و با آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره تحلیل شد. براساس نتایج از بین متغیرهای آموزش‌های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی، فقط رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزند نسبت به ازدواج مؤثر است و افزایش مطلوبیت رفتارهای مادر، موجب نگرش مثبت‌تر فرزند به ازدواج می‌شود. براین اساس، با آگاهی‌بخشی به والدین و به‌ویژه مادران درباره نقش تأثیرگذار آنان در نگرش و عملکرد فرزندان در زندگی خانوادگی آینده و ارائه آموزش‌های لازم، می‌توان نقش‌آفرینی خانواده در ازدواج موفق فرزندان را تقویت نمود.

واژگان کلیدی: ازدواج فرزندان، نگرش فرزندان به ازدواج، تعاملات زناشویی والدین، آموزش.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

۱. استادیار مطالعات زنان، عضو هیئت علمی پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

Email: sh.rowshani@alzahra.ac.ir

The Role of Parents' Marital Interactions and Their Marriage-Related Education in the Prediction of Children's Attitude to Marriage

Shohreh Roshani^۱

The attitude to marriage is one of the most important predictors of satisfaction after marriage and studying it can clarify the contexts and causes of marriage delay. This research aimed to investigate the role of parents' marital interactions and their marriage-related education in the prediction of children's attitude to marriage with a non-experimental correlation method. The population included single girls and boys in the city of Tehran and ۳۸۴ people were selected by the multistage sampling. The data were gathered by the standard questionnaire of attitude to marriage, and the researcher-made questionnaires of assessment of parent's marriage-related education and assessment of their marital interactions. They were analyzed by the multivariate linear regression test. According to the results, among the variables, just mothers' marital interactions influence children's attitude to marriage and the increase in its desirability leads to a better children's attitude to marriage. Therefore, by informing the parents, especially the mothers, about their effective role in children's attitude and performance in the future family life, and by providing necessary education, the family role in children's successful marriage can be increased.

Keywords: children's marriage, children's attitude to marriage, parent's marital interactions, education.

Paper Type: Research

Data Received: ۲۹/۰۳/۲۰۲۱ Data Revised: ۳۱/۰۵/۲۰۲۱ Data Accepted: ۰۷/۰۶/۲۰۲۱

۱. Assistant Professor of Women's Studies, Faculty Member of Institute of Women's Studies, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: sh.rowshani@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه

ازدواج از نظر اسلام امری پسندیده، مورد تأکید و عامل تکامل انسان است که در سایه آن، هر یک از زن و مرد به به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و زمینه تجلی و رشد ارزش‌های انسانی، فراهم می‌شود. در قرآن کریم از خانواده با عناوین مختلفی مثل آیه‌ای از آیات خداوند (ر.ک.، روم: ۲۱)، پیوند محکم (ر.ک.، نساء: ۲۱)، سبب نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند (ر.ک.، نور: ۳۲)، عامل تکثیر نسل (ر.ک.، شوری: ۱۱) و سنت پیامبران الهی (ر.ک.، رعد: ۳۸) یاد شده است. معصومین (ع) ضمن ارج نهادن به جایگاه خانواده و تأکید بر تشکیل آن، در بیان اهمیت این بنای مقدس از تعبیر گوناگونی استفاده کرده‌اند و ازدواج را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند (ر.ک.، نوری طبرسی، ۱۴۰۸هـ.ق، ۵۳۱/۲)، بالاترین نعمت پس از اسلام (ر.ک.، حر عاملی، ۱۳۶۷، ۳۸۹/۳)، کامل‌کننده دین (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۲۱۹/۱۰۳)، گشاینده درهای رحمت الهی (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۲۲۱/۱۰۰) و عامل ارزش یافتن عبادات (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷، ۳۲۹/۵) بیان فرموده‌اند (بوجاری و پرچم، ۱۳۹۲). اهمیت ازدواج در اسلام به اندازه‌ای است که پیامبر اکرم (ص) یکی از حقوق فرزند بر پدر را به ازدواج در آوردن فرزند به وقت بلوغ او بیان فرموده است (ر.ک.، حر عاملی، ۱۳۶۷، ۴۸۲/۲۱) که به معنای آن است که شرایط و زمینه‌های مادی و معنوی ازدواج را در حد امکان فراهم کند. به‌طور معمول، حمایت مالی از فرزندان بر عهده پدر است، اما در سایر زمینه‌ها از جمله حمایت در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده، مسئولیت‌هایی برای مادران نیز مقرر شده است. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره نور در خطابی عمومی می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ»؛ براساس این آیه مسئولیتی اجتماعی برای پدران، مادران، بستگان و حتی دیگر افراد و نهادهای اثرگذار برای فراهم نمودن شرایط و امکانات ازدواج افراد بی‌همسر استنباط می‌شود (دهقان‌نژاد و بستان، ۱۳۹۶). بنابراین، ایجاد نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده از ضرورت‌های اولیه و بسیار مهم برای فراهم کردن زمینه ازدواج است.

روان‌شناسان اجتماعی تعاریف گوناگونی از نگرش ارائه نموده‌اند؛ نگرش مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها، عقاید و دانسته‌هاست که دربردارنده ارزشیابی‌های مثبت و منفی (احساسات) است که همگی به موضوعی مرکزی مرتبط هستند یا آن را توصیف می‌کنند و این احساسات و دانسته‌ها موجب ایجاد رفتارهایی معین می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۶). نگرش با تحت تأثیر قرار دادن نحوه تفکر و پردازش اطلاعات، به‌عنوان طرح ذهنی عمل نموده و با سازماندهی و نگهداری چارچوب‌های شناختی اطلاعات در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث، بر فرایند رفتار اثر می‌گذارد (سالاری‌فر، آذربایجانی، موسوی اصل، کاویانی، تیبیک و عباسی، ۱۳۹۸). نگرش، ساخت ذهنی پنهان در شخصیت هر فرد است. به عبارتی می‌توان نگرش را آمادگی فرد از لحاظ روانی در مواجهه با پدیده‌ها، مسائل و وقایع و بروز واکنش همراه با هیجان نسبت به رویدادها دانست. نگرش‌های افراد از گذشته آنان و تجربیات مختلف زندگی نشأت می‌گیرد (موسوی، ۱۳۹۲). نگرش به ازدواج نیز دورنمای ادراک، احساس و شیوه رفتار در این امر است؛ به طوری که تصویری که در ذهن فرد از ازدواج نقش می‌بندد تعیین‌کننده تصمیم‌گیری، کنش‌ها و عملکردهای اوست. اگر در گذشته ازدواج امری غیرشخصی و گاه تنظیم‌شده بود، به طوری که فرد در تصمیم‌گیری نقش چندانی نداشت، اما اکنون در دوران مدرن ازدواج امری فردی است؛ به طوری که فرد خود تصمیم‌گیرنده اصلی قلمداد می‌شود (چارلس، دیویس و هریس، ۲۰۰۸).

مطالعه نگرش به ازدواج به چند دلیل اهمیت دارد. براساس پژوهش‌های مختلف نگرش و تصمیم‌گیری در مورد ازدواج به‌عنوان یک رابطه طولانی‌مدت، مهم است؛ زیرا می‌تواند عواقبی برای شادی، رضایت از زندگی، سلامتی و بهزیستی روان‌شناختی فرد داشته باشد (هیپن^۴، ۲۰۱۶). علاوه بر این، نگرش یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار است. تمرکز بر ارتباط بین نگرش و رفتار در یک خط سیر طولانی نظریه‌پردازی از کنش متقابل نمادین از طریق نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده آغاز شده و تا تلاش برای برقراری

۳. Charles, N., Davies, C., & Harris, C. C.

۴. Hippen, K. A.

پیوند بین احساسات شخصی با تصمیمات زناشویی گسترش می‌یابد. همچنین این نگرش‌ها به‌مثابه نمونه‌ای از درونی‌سازی ادراکات فرهنگی، شواهدی از نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ است که مباحث معاصر در زمینه تغییر ارزش‌های خانواده را برمی‌انگیزند (تریس، لوی و گوبرنسکایا،^۵ ۲۰۱۴). فراتر از کمک به درک ارتباط مهم رفتار آینده و نگرش کنونی، مطالعه عقاید و نگرش‌های زناشویی همچنین می‌تواند در درک زمینه‌ها و علل تأخیر ازدواج مؤثر باشد (هیموویتز، کارول، ویلکاکس و کای،^۶ ۲۰۱۳).

متخصصان معتقدند هرچه در سنین بزرگسالی ازدواج به تأخیر انداخته شود، نگرش‌ها به ازدواج، به چیزی غیر از رشد و بلوغ تشکیل خانواده تبدیل می‌شود (ویلوبی و دورکین،^۷ ۲۰۰۹). طی دو دهه اخیر نگرش منفی به ازدواج افزایش یافته است (دکونینک، ون‌دورن و متهایس،^۸ ۲۰۲۱) و تحقیقات ادهیکاری^۹ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد در سال‌های اخیر نگرش به ازدواج تغییر کرده است. هنجارهای سنتی در مورد ازدواج و فرزندآوری در کشورهای پیشرفته در حال تخریب است. در این کشورها تحصیلات، فرصت‌های شغلی، نفوذ فرهنگی خارجی، رونق اینترنت و انقلاب موبایل به تغییر نگرش در بسیاری از پدیده‌ها و ساختارهای اجتماعی از جمله ازدواج کمک کرده است. محققان در ریشه‌یابی بیشتر مسائل و مشکلات خانواده به نگرش‌های ناصحیح در ازدواج اشاره دارند؛ آنان معتقدند این نگرش‌ها و احساسات در تصمیم‌گیری برای ازدواج، زمان ازدواج، انتظارات و رفتارهای زناشویی نقش بسیار مهمی دارد (خجسته‌مهر، محمدی و عباس‌پور، ۱۳۹۶). نگرش منفی به ازدواج پدیده افزایش سن ازدواج و یا مجرد قطعی را رقم می‌زند که منجر به اختلال در کارکرد خانواده شده و نابسامانی‌هایی هم‌چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی و بحران روابط جنسی را در پی دارد (نیک‌خواه، فانی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۹۶).

۵. Treas, J., Lui, J., & Gubernskaya, Z.

۶. Hymowitz, K., Carroll, J. S., Wilcox, W. B., & Kaye, K.

۷. Willoughby, B. J., & Dworkin, J.

۸. De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K.

۹. Adhikari, P.

مقایسه میزان ازدواج در ایران در سال‌های اخیر کاهش نرخ ازدواج را نشان می‌دهد؛ به طوری که در سال ۱۳۹۰ تعداد ازدواج در کشور ۸۷۴۷۹۲ مورد ثبت شده است؛ در حالی که در سال ۱۳۹۵، این رقم به ۷۰۴۷۱۶ و در سال ۱۳۹۷ به ۵۵۰۵۶۵ مورد کاهش یافته است. همچنین میانگین سن ازدواج قابل تأمل است. براساس آمار رسمی کشور میانگین سن ازدواج مردان و زنان به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ عبارتند از: ۲۶/۲ (مردان)، ۲۲/۵ (زنان)؛ ۲۶/۵ (مردان)، ۲۳/۳ (زنان)؛ ۲۷/۱ (مردان)؛ ۲۳/۶ (زنان)؛ ۲۷/۸ (مردان)، ۲۳/۴ (زنان). براین اساس، میانگین سن مردان در اولین ازدواج در طول ۲۰ سال (۱۳۷۵ - ۱۳۹۵) در حال افزایش بوده است. میانگین سن زنان در اولین ازدواج بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ افزایش را نشان داده است و در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ قدری کاهش یافته است (سایت سازمان ثبت احوال کشور). محققان نشان داده‌اند که در دوران اخیر نگرش به ازدواج منفی شده است (خجسته‌مهر، و همکاران، ۱۳۹۶) و نگرش منفی نسبت به ازدواج، کاهش میزان مولید، تأخیر در ازدواج و افزایش نرخ طلاق را در پی دارد (مور، ۲۰۲۰).

نگرش امری اکتسابی است و به تدریج به وجود می‌آید؛ زیرا تجربه و آموزش در آن مؤثر است و چون نظامی برخوردار از ابعاد مختلف و هماهنگ است، سازه‌ای نسبتاً پایدار بوده و تغییر آن ساده نیست (سالاری‌فر، و همکاران، ۱۳۹۸). در همین رابطه محققان معتقدند که نگرش به ازدواج در مراحل اولیه زندگی شکل می‌گیرد و سازه‌ای نسبتاً پایدار است (نیازی، شاطریان و شفائی مقدم، ۱۳۹۴). والدین وظیفه پرورش کودک و اجتماعی کردن او طی مراحل مختلف را بر عهده دارند. فرزندان از دوران کودکی تا جوانی بیشترین زمان را با خانواده سپری نموده و نزدیک‌ترین روابط را با خانواده دارند، به همین دلیل خانواده مهمترین عامل رشد و تحول فرزندان در ابعاد گوناگون جسمی، عاطفی، شناختی و رفتاری است (سالاری‌فر، ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد چون خانواده

بیشترین ارتباط را با فرد دارد، می‌تواند از مهمترین تأثیرگذاران بر نگرش افراد نسبت به ازدواج باشد.

افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های مناسب به‌عنوان عضوی از یک فرهنگ خاص را طی فرایند جامعه‌پذیری می‌آموزند (بستان، ۱۳۹۶). جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن فرد دانش و مهارت‌های لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی اجتماعی کسب نموده و رفتارهای شخصی‌اش را توأم با ارزش‌ها و نگرش‌ها آموخته و آنها را در طول زندگی توسعه می‌دهد. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها، به فرد توانایی برقراری ارتباط با گروه‌ها و افراد مختلف جامعه و نیز پاسخ‌گویی مطلوب به انتظارات نقش‌های واگذار شده به او را می‌دهد. عمل جامعه‌پذیری به سه شیوه تقلید، تلقین و آموزش صورت می‌پذیرد. مکانیسم آموزش، یاد دادن، معرفی کردن و تکرار کردن یک موضوع است. آموزش، پایدارترین روشی است که اگر به صورت کارشناسی و با توجه به مقتضیات سنی افراد جامعه‌پذیر و امکانات آنان اجرا شود، عمل، هنجار یا ارزش مد نظر آموزنده در مخاطب درونی و نهادینه می‌شود (منادی، ۱۳۸۷). خانواده از مهمترین منابع جامعه‌پذیری است و جامعه‌پذیری از طریق آموزش در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی می‌تواند در شکل‌گیری نگرش فرزندان به ازدواج مؤثر باشد.

مشاهده یا الگوبرداری، از دیگر شیوه‌های آموختن نگرش‌ها است. (سالاری‌فر، و همکاران، ۱۳۹۸) انسان‌ها با مشاهده دیگران، دانش، قواعد، مهارت‌ها، استراتژی‌ها، عقاید و نگرش‌ها را آموخته و با استفاده از الگوها، مفید و مناسب بودن رفتارها را می‌آموزند. مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی، بسیاری از یادگیری‌های ما با الگوبرداری و مشاهده رفتار دیگران صورت می‌گیرد و نتیجه رفتارهای دیگران است. براساس این نظریه، یادگیری اجتماعی انسان با مشاهده نتایج رفتار الگو رخ می‌دهد و افراد در فرآیند جامعه‌پذیری، نگرش‌ها و رفتارها را ابتدا با مشاهده اعضای خانواده و الگوگیری از آنها و سپس با مشاهده و الگوگیری از دیگر افراد مهم می‌آموزند. باندورا با تمایز قائل شدن بین یادگیری مشاهده‌ای و تقلیدی، معتقد است یادگیری می‌تواند تقلیدی باشد یا نباشد

و یادگیری مشاهده‌ای در هر زمانی می‌تواند رخ دهد؛ با تقویت یا بدون تقویت، با تقلید یا بدون تقلید. از نظر باندورا یادگیری پیچیده‌تر از یک تقلید است؛ زیرا تقلید، نوعی الگوبرداری ساده از رفتار دیگران است، ولی یادگیری با پردازش اطلاعات حاصل می‌شود. وی معتقد است که آموزش مستقیم، تنها وسیله برای یادگیری نیست، بلکه عنصری اجتماعی نیز در یادگیری دخیل است و افراد می‌توانند اطلاعات و رفتارهای جدید را از طریق مشاهده دیگران یاد بگیرند. باندورا، رفتار انسان را در یک ساختار ارتباط متقابل سه‌گانه یا روابط متقابل میان رفتار، متغیرهای محیطی و عوامل فردی توضیح داده است. در این ساختار، فرد ضمن تأثیر بر محیط و رفتار، از آنها تأثیر نیز می‌پذیرد. همچنین محیط و رفتار بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. بنابراین، هر یک از سه عامل، در رابطه‌ای متقابل با دو عامل دیگر قرار دارد و تأثیر و تأثر متقابل و دوسویه بین عوامل برقرار است (چابکی و زارغان، ۱۳۹۸). براساس نظریه یادگیری، افراد در فرایند اجتماعی شدن در وهله نخست در خانواده، نگرش‌ها و رفتارها را با مشاهده و مدل‌گیری از والدین می‌آموزند. فرایند یادگیری از سال‌های نخست زندگی فرد آغاز می‌شود و فرد با مشاهده و الگوبرداری از والدین، رفتار صمیمانه یا خشن را می‌آموزد و آن را مبنایی برای ایجاد روابط با دیگران قرار می‌دهد. در واقع، همین الگوها نگرش‌هایی در خصوص چگونگی رفتار با جنس مخالف به وی می‌دهد. براساس این نظریه، بسیاری از رفتارها قابل تغییر و تفسیر است. اطلاعات و به دنبال آن یادگیری، اغلب از راه کنش متقابل با دیگران به دست می‌آید و در خانواده، با شکل‌گیری نخستین تعاملات اجتماعی انسان، اولین آموزش‌ها تحقق می‌یابد. در واقع، رفتار والدین، سرمشق و الگویی برای رفتارهای بعدی فرزندان می‌شود.

نظریه یادگیری تبیین‌کننده انتقال رفتارهای خوب و بد از والدین به فرزندان می‌باشد. فرهنگ مسلط در خانواده با انتقال به فرزندان، رفتار آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، خانواده با ارائه چشم‌اندازی مطلوب از روابط زناشویی و بازتاب هم‌دلی، عشق و عواطف بین زوجین، می‌تواند الگویی موفق برای ازدواج و تشکیل خانواده به فرزندان ارائه نماید. از این رو، هرگونه نگرشی درباره خانواده، ازدواج و چگونگی رفتار

با همسر، با نظریه یادگیری قابل بررسی است (چابکی و زارعان، ۱۳۹۸). براساس نظریه یادگیری اجتماعی، تعاملات روزمره با والدین فرصت مشاهده و تقلید رفتارها و نگرش والدین را برای کودکان فراهم می‌کند (ولچیک، کریستوفر، تین، رودز و سندلر،^{۱۱} ۲۰۱۹). در خانواده، بسیاری از نگرش‌های فرزندان با مشاهده نگرش‌ها و به‌طور خاص، مشاهده رفتارهای نگرشی والدین شکل می‌گیرد. این فرایند حتی در شرایطی که والدین در آموزش نگرشی خاص به فرزندان خود تعمد نداشته باشند، برقرار است. به‌این ترتیب فرایند الگوگیری نقش مهمی در شکل دادن نگرش‌ها ایفا می‌کند (شریفی‌زاده، ۱۳۹۱).

نتایج مطالعات مختلف نشان داده است که نگرش‌های کلی والدین درباره روابط و زندگی خانوادگی بر نگرش‌های فرزندان مؤثر است. مهارت‌های رابطه‌ای از قبیل سبک‌های کشمکش و الگوهای ارتباطی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. احتمالاً مکانیسم انتقال نگرش‌های ارتباطی به این صورت است که همان‌گونه که والدین رفتارهای ارتباطی مثبت و منفی را به فرزندانشان سرمشق می‌دهند، فرزندان این رفتارها را تعمیم داده و انتظارات خود از ازدواج و دیگر روابط خانوادگی را بسط می‌دهند (ویلوبی، کارول، ویتاس و هیل،^{۱۲} ۲۰۱۲). بنابراین، والدین نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش فرزندان به ازدواج دارند و به‌نظر می‌رسد نگرش فرزندان به ازدواج تحت تأثیر آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و نیز یادگیری اجتماعی رفتارهای والدین شکل می‌گیرد. از این‌رو، پژوهش حاضر نیز در پی بررسی نقش والدین در نگرش فرزندان به ازدواج از طریق بررسی تأثیر آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای آنان در تعاملات زناشویی، بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج است.

در زمینه نقش خانواده و والدین در نگرش فرزندان به ازدواج پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۶) فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج

۱۱. Wolchik, S., Christopher, C., Tein, J. Y., Rhodes, C. A., & Sandler, I. N.

۱۲. Willoughby, B. J., Carroll, J. S., Vitas, J. M., & Hill, L. M.

را بررسی نموده‌اند که براساس نتایج آن تجربیات اولیه افراد و مشاهده الگوهای ناقص حاصل از مقایسه اجتماعی، کیفیت زندگی، سابقه ذهنی و طرح‌واره، الگوهای والدینی و نقش تربیتی خانواده از شرایط علی تغییر نسبی در نگرش به ازدواج است. نیازی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهایی همچون خانواده، با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد و وجود بحران‌های خانوادگی، اختلافات والدین و ارائه تصویر منفی از ازدواج، موجب هراس فرزندان از ازدواج شده است. براساس یافته‌های اکباس، سورکیو، کوروگلو و اوزتورک^{۱۳} (۲۰۱۹) نگرش مثبت دانشجویان به ازدواج تحت تأثیر ازدواج و خوشبختی والدین است. نتایج مطالعه عبدالله‌پور (۱۳۹۸)، کیم و یونگ^{۱۴} (۲۰۱۵) حاکی از رابطه معنادار بین نگرش نسبت به ازدواج و طلاق با عملکرد خانواده است. در پژوهش عباسی و حسینی (۱۳۹۷) نیز عملکرد خانواده بیشترین نقش را در پیش‌بینی نگرش فرزندان به ازدواج داشت. براساس پژوهش لازینسکی^{۱۵} (۲۰۱۶)، کوی و فینچام^{۱۶} (۲۰۱۰) و خجسته‌مهر، ممینی و اصلانی (۱۳۹۲)، فرزندان خانواده‌های طلاق در مقایسه با خانواده‌های عادی نگرش منفی‌تری به ازدواج داشتند. یافته‌های لی^{۱۷} (۲۰۱۴) نیز نشان داده است که نگرش فرزندان نسبت به ازدواج بستگی زیادی به والدین و جو خانواده دارد؛ افرادی که والدین آنها درگیری داشتند یا طلاق گرفته بودند، نگرش منفی نسبت به ازدواج داشتند. همچنین پژوهش هوانگ و لین^{۱۸} (۲۰۱۴) نشان داد که افزایش سطح تعارض والدین، بر نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج تأثیر منفی داشته است و دانش‌آموزان خانواده‌های سالم یا خانواده‌هایی که درگیری والدین پایین‌تری داشتند، نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج داشتند. مطالعه اکبری قمصری و مهدی‌زاده مقدم (۱۳۹۸) نیز نشان داد که جو مثبت

۱۳. Akbas, M., Surucu, S. G., Koroglua, C. O., & Ozturk, M.

۱۴. Kim, H. S., & Jung, Y. M.

۱۵. Lazinski, M. J.

۱۶. Cui, M., & Fincham, F. D.

۱۷. Li, X.

۱۸. Huang, Y. C., & Lin, S. H.

خانواده بر گرایش به ازدواج تأثیر مثبت دارد. همچنین یافته‌های باقریان و کاظمیان (۱۳۹۰) حاکی از همبستگی مثبت معنادار بین نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، تمرکز آن بر نقش والدین در آموزش و یادگیری فرزندان در خانواده در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی در فرایندی طولانی، یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و سنجش تأثیر این فرایند بر نگرش به ازدواج است که چنین رویکردی در پژوهش‌های پیشین دیده نشده است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این پرسش بوده است که آیا آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای آنان در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج مؤثر است؟

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث زمان، مقطعی است که به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۵ و به روش رگرسیون خطی چندمتغیره انجام شد. در پژوهش حاضر برای سنجش روایی پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته از اعتبار صوری (ظاهری) استفاده شده است که بدین منظور پرسش‌نامه‌ها در اختیار چند متخصص در آن موضوع قرار گرفت و با بهره‌گیری از نظرات آنان پرسش‌نامه‌ها اصلاح و در نهایت توسط ایشان تأیید شد. برای سنجش میزان پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران بود که برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. براساس آخرین سرشماری (سال ۱۳۹۵)، تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده ۱۵ تا ۳۹ ساله شهر تهران ۷۴۷۰۸۷ نفر و تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده ۲۰ تا ۳۹ ساله شهر تهران ۷۴۲۰۳۳ نفر بوده است که مجموع

آن ۱۴۸۹۱۲۰ می‌باشد؛ در نتیجه براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد و افراد نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله رضایت آگاهانه انتخاب شدند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه نگرش به ازدواج

پرسش‌نامه استاندارد نگرش فرزند به ازدواج توسط براتن و روزن (براتن و روزن،^{۱۹} ۱۹۹۸، به نقل از نیلفروشان، نویدیان و عابدی، ۱۳۹۲) ساخته شده و شامل ۲۳ گویه در طیف چهار درجه‌ای لیکرت است. این مقیاس چهار مؤلفه نگرش خوش‌بینانه، بدبینانه، ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌گرایانه به ازدواج را می‌سنجد. شیمکوفسکی، پونیانونت-کارتر، کولول و نورمن^{۲۰} (۲۰۱۸)، القشان و الکندری^{۲۱} (۲۰۱۰)، غلامی قره‌شیران، ثنایی، کیامنش و زهراکار (۱۳۹۹)، شعفی‌زاده، پورنجاریان و سپهری شاملو (۱۳۹۸)، سیاح، کوچک انتظار و حسنی (۱۳۹۶) و نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۲)، به ترتیب ضریب آلفای کرونباخ ۰،۹، ۰،۸۶، ۰،۷۲، ۰،۷۶، ۰،۷۵ و ۰،۷۷ را برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این مقیاس ۰،۷۶۳ بوده است.

۲-۳-۲. پرسش‌نامه سنجش آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی

زناشویی

این پرسش‌نامه محقق‌ساخته، شامل مؤلفه‌های آموزش نحوه انتخاب همسر، آموزش حقوق و تکالیف در زندگی زناشویی، آموزش ویژگی‌های جنسیتی و آموزش نحوه تعامل مطلوب با همسر و خانواده او می‌باشد. این مقیاس دارای ۲۴ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که میزان آموزش‌های هر یک از والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را می‌سنجد. آلفای کرونباخ پیش‌آزمون با اجرای پرسش‌نامه بر روی نمونه

۱۹. Braaten, E. B., & Rosén, L. A.

۲۰. Shimkowski, J. R., Punyanunt-Carter, N., Colwell, M. J., & Norman, M. S.

۲۱. Alqashan, H., & Alkandari, H.

اولیه به تعداد ۳۰ نفر، برای آموزش‌های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی به ترتیب ۰,۹۸۹ و ۰,۹۸۴ بود و پس از اجرای کامل آزمون نیز آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای آموزش‌های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی به ترتیب ۰,۹۸۵ و ۰,۹۸۳ شد.

۲-۳-۳. پرسش‌نامه سنجش رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی

این پرسشنامه محقق‌ساخته شامل مؤلفه‌های رعایت حقوق و انجام تکالیف زناشویی توسط والدین، توجه والدین به ویژگی‌های جنسیتی، تعامل صحیح والدین با یکدیگر و تعامل صحیح والدین با خانواده‌های یکدیگر است. این مقیاس دارای ۱۲ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که رفتار هر یک از والدین در زندگی زناشویی را می‌سنجد. آلفای کرونباخ پیش‌آزمون با اجرای پرسش‌نامه بر روی نمونه اولیه به تعداد ۳۰ نفر، برای رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی به ترتیب ۰,۹۶۹ و ۰,۹۳۷ بود و پس از اجرای کامل آزمون نیز آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی به ترتیب ۰,۹۶۱ و ۰,۹۵۱ شد.

۳. یافته‌های پژوهش

نمونه پژوهش ۳۸۴ نفر با میانگین سنی ۲۳,۸ سال، شامل ۲۳۰ دختر ۱۵ تا ۴۰ ساله و ۱۵۴ پسر ۱۹ تا ۴۰ ساله بود؛ بدین ترتیب ۵۹,۹٪ از نمونه را دختران و ۴۰,۱٪ را پسران تشکیل دادند. اکثر مشارکت‌کنندگان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال (۴۱,۱٪) و ۲۵ تا ۲۹ سال (۲۱,۶٪) قرار داشتند. تحصیلات افراد از زیردیپلم تا دکترا بود و اکثر مشارکت‌کنندگان تحصیلات دیپلم (۴۶,۱٪) و لیسانس (۲۶,۸٪) داشتند. سن پدران ۳۱ تا ۸۳ سال با میانگین سنی ۵۴,۶ و سن مادران ۲۹ تا ۷۸ سال با میانگین سنی ۴۹,۱ بود. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ آموزش‌های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، ۵۹,۹۴ با انحراف استاندارد ۳۰,۱۹ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به آموزش بسیار زیاد (۳۱,۸٪)، زیاد (۲۶٪)، متوسط (۱۹٪)، کم (۱۳,۳٪) و بسیار کم

(۹,۹٪) بود. اکثر مشارکت‌کنندگان (۵۷,۸٪) میزان آموزش‌های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ آموزش‌های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، ۶۸,۵۹ با انحراف استاندارد ۲۶,۶۸ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به آموزش بسیار زیاد (۴۰,۶٪)، زیاد (۲۶,۶٪)، متوسط (۲۰,۳٪)، کم (۷,۸٪) و بسیار کم (۴,۷٪) بود. اکثر مشارکت‌کنندگان (۶۷,۲٪) میزان آموزش‌های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند.

میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی، ۶۶,۴۷ با انحراف استاندارد ۲۲,۰۲ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به مطلوبیت زیاد (۳۴,۴٪)، بسیار زیاد (۲۷,۹٪)، متوسط (۲۶,۶٪)، کم (۸,۸٪) و بسیار کم (۲,۳٪) بود. اکثر مشارکت‌کنندگان (۶۲,۳٪) میزان مطلوبیت رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، ۷۴,۲۰ با انحراف استاندارد ۱۹,۳۴ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به مطلوبیت بسیار زیاد (۴۲,۲٪)، زیاد (۳۳,۳٪)، متوسط (۲۰,۳٪) و کم (۴,۲٪) بود. اکثر مشارکت‌کنندگان (۷۵,۵٪) میزان مطلوبیت رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ نگرش به ازدواج، ۶۷,۸۶ با انحراف استاندارد ۸,۹۰ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به نگرش مثبت زیاد (۷۱,۱٪)، متوسط (۱۸,۵٪)، بسیار زیاد (۹,۹٪) و کم (۰,۵٪) بود. نمره اکثر مشارکت‌کنندگان (۸۱٪) بالاتر از ۶۰ بود که نشان‌دهنده زیاد بودن نگرش مثبت به ازدواج است.

جدول ۱

ماتریس همبستگی بین متغیرهای آموزش‌های والدین، رفتارهای والدین و نگرش به ازدواج

متغیر	آموزش‌های پدر	آموزش‌های مادر	رفتارهای پدر	رفتارهای مادر	نگرش به ازدواج
آموزش‌های پدر	-				
آموزش‌های مادر	.۷۹۵**	-			
رفتارهای پدر	.۳۶۷**	.۲۶۸**	-		
رفتارهای مادر	.۲۲۱**	.۲۸۹**	.۶۳۷**	-	
نگرش به ازدواج	.۰۵۸	.۱۲۰*	.۱۱۰*	.۲۰۴**	-

**P ≤ ۰,۰۱, *P ≤ ۰,۰۵

براساس جدول ۱ بین سه متغیر آموزش‌های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه مثبت معنادار وجود دارد و آموزش‌های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه معنادار ندارد.

برای سنجش تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر نگرش به ازدواج از رگرسیون خطی چندمتغیره گام‌به‌گام استفاده شده است. براساس نتایج معناداری مدل رگرسیون برای پیش‌بینی نگرش نسبت به ازدواج، مقدار R^2 که برابر با ۰,۰۴۳ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۴٪ از کل تغییرات نگرش فرزندان به ازدواج وابسته به سه متغیر آموزش‌های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی است. با توجه به این که F محاسبه شده در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است، مدل رگرسیون خطی معنادار بوده، در نتیجه آموزش‌های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه خطی معنادار دارند. از بین سه متغیر آموزش‌های مادر، رفتارهای مادر و رفتارهای پدر، دو متغیر آموزش‌های مادر و رفتارهای پدر از مدل خارج شده و بر متغیر نگرش فرزندان به ازدواج تأثیری نداشته‌اند، اما متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان به ازدواج مؤثر است. با توجه به مقدار ضریب تأثیر

رگرسیون ($\text{Beta}=0,207$) نیز می‌توان گفت که به ازای یک انحراف استاندارد در متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، نمره نگرش فرزندان به ازدواج به میزان $0,207$ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. بنابراین از بین چهار متغیر پژوهش، فقط متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، پیش‌بینی‌کننده نگرش فرزندان به ازدواج است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از پایه‌های اساسی شکل‌گیری جامعه ازدواج و فرزندآوری است. اغلب جوامع و فرهنگ‌ها چارچوب‌های مشخص و معینی را در شکل‌گیری ازدواج در نظر دارند؛ به طوری که فراروی از آن چارچوب را امری ناپسند و ناهنجار می‌شمارند. در ایران همچون بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها ازدواج امری مسلم، پذیرفته شده و مورد تأکید است. دین اسلام همواره بر ازدواج جوانان تأکید داشته و در مواردی آن را واجب می‌داند. با این حال، در دوران اخیر ازدواج و شکل‌گیری خانواده با دگرگونی‌های زیادی روبرو شده است، به طوری که در خوش‌بینانه‌ترین حالت جوانان ازدواج را مانع پیشرفت دانسته و یا عدم توانایی مالی را مانع ازدواج می‌دانند و از ازدواج سرباز می‌زنند، اما گاه نیز این اندیشه که نیازهای جنسی الزاماً نباید در چارچوب ازدواج تأمین شود، جوانان را از ازدواج منصرف کرده است. هر دو اندیشه هر چند در سطوحی بسیار متفاوت، آسیب‌های فردی و اجتماعی را دربردارد. منشأ بسیاری از این دگرگونی‌ها را می‌توان در تغییر نگرش نسبت به ازدواج پیدا کرد. بنابراین، یک گام مهم در زمینه حل مسئله ازدواج جوانان، بررسی نگرش آنان به ازدواج و عوامل تأثیرگذار بر آن است. با توجه به اینکه عمیق‌ترین ارتباطات فرد در بستر خانواده و در رابطه با والدین شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد، والدین را می‌توان از مهمترین منابع مؤثر بر باورها و نگرش‌های افراد دانست. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی نقش والدین در نگرش فرزندان به ازدواج پرداخته است.

براساس یافته‌ها از بین چهار متغیر آموزش‌های پدر، آموزش‌های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر، فقط رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان

نسبت به ازدواج مؤثر است و افزایش رفتارهای مطلوب مادر در تعاملات زناشویی، موجب نگرش مثبت تر فرزند به ازدواج می شود. این نتیجه با یافته های مطالعات پیشین در این زمینه که همگی حاکی از تأثیر کیفیت روابط والدین بر نگرش فرزندان به ازدواج است، همسوست. براساس پژوهش های پیشین الگوهای والدینی از شرایط علی مؤثر بر نگرش به ازدواج است (ر.ک.، خجسته مهر، و همکاران، ۱۳۹۶) و نگرش مثبت فرزندان به ازدواج تحت تأثیر ازدواج و خوشبختی والدین می باشد (ر.ک.، اکباس، و همکاران، ۲۰۱۹). عملکرد خانواده با نگرش مثبت به ازدواج رابطه معنادار داشته (ر.ک.، کیم و یونگ، ۲۰۱۵؛ عبدالله پور، ۱۳۹۸؛ عباسی و حسینی، ۱۳۹۷) و جو مثبت خانواده بر گرایش به ازدواج تأثیر مثبت دارد (ر.ک.، اکبری قمصری و مهدی زاده مقدم، ۱۳۹۸؛ باقریان و کاظمیان، ۱۳۹۰). در مقابل، بحران های خانوادگی، اختلافات والدین و ارائه تصویر منفی از ازدواج، با نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار دارد (ر.ک.، نیازی، و همکاران، ۱۳۹۴)، درگیری والدین و افزایش سطح تعارض آنان موجب نگرش منفی فرزندان به ازدواج می شود (ر.ک.، هوانگ و لین، ۲۰۱۴؛ لی، ۲۰۱۴) و طلاق والدین نیز بر نگرش منفی فرزندان به ازدواج مؤثر است (ر.ک.، لازینسکی، ۲۰۱۶؛ کوی و فینچام، ۲۰۱۰؛ خجسته مهر، و همکاران، ۱۳۹۲).

یافته های پژوهش حاضر با نظریات موجود در این زمینه هماهنگی دارد. براساس نظریه یادگیری اجتماعی، باورها و نگرش های والدین درباره زندگی زناشویی از طریق الگوپذیری به فرزندان منتقل می شود و نگرش آنان به ازدواج تحت تأثیر مشاهده رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی شکل می گیرد. فرزندان با مشاهده ازدواج والدین به ارزیابی مطلوبیت ازدواج می پردازند و بدین صورت نگرش فرزندان به ازدواج از مشاهدات و ادراکات آنان از کیفیت روابط والدین در زندگی زناشویی نشأت می گیرد. نظریه دیگری که با استفاده از آن می توان تأثیرپذیری نگرش فرزندان از کیفیت ازدواج والدین را تبیین کرد، نظریه انتقال بین نسلی است که نشان دهنده چگونگی انتقال نگرش و رفتار از والدین به فرزندان است. براساس این نظریه، رفتار والدین در تعاملات زناشویی الگویی برای فرزندان است که تعمیم این الگو توسط فرزندان، انتظارات و

نگرش آنان نسبت به ازدواج را پایه‌ریزی نموده و به مدل‌سازی فرزندان از تعاملات والدین در زندگی آینده‌شان منجر خواهد شد. کودکی که در خانواده‌ای سالم با تعاملات زناشویی مثبت والدین رشد می‌کند ازدواج را امری مثبت می‌پندارد، ولی کودکی که در خانواده‌ای با تعاملات زناشویی منفی والدین رشد می‌کند دیدگاه مثبتی به ازدواج نخواهد داشت. بنابراین، تجارب کودکان از روابط والدینشان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری نگرش آنان به ازدواج و زندگی زناشویی دارد که در تصمیم‌گیری برای ازدواج و نیز نحوه عملکرد آنان در زندگی زناشویی آینده‌شان نقش بسزایی دارد. علاوه بر این، کیفیت زناشویی والدین، باورها و نگرش‌هایی را که والدین با فرزندان‌شان به اشتراک می‌گذارند تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، والدینی که از ازدواج و زندگی زناشویی خود رضایت دارند، دیدگاه مثبتی در زمینه ازدواج خواهند داشت و این دیدگاه مثبت را در گفت‌وگو با فرزندان به آنها انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان به ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نقش مؤثر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی در پیش‌بینی نگرش فرزند به ازدواج از یافته‌های مهم پژوهش حاضر است. رابطه عمیق مادر و فرزند که ریشه در همزیستی و هم‌جواری بیشتر مادر با فرزند دارد، می‌تواند از دلایل تسهیل و تقویت تأثیر مادر بر نگرش فرزند در مقایسه با سایر مراجع مؤثر باشد. همچنین با توجه به اینکه به‌طور معمول پدر به دلیل اشتغال، حضور کمتری در خانه دارد و مادر و فرزند زمان بیشتری را با هم سپری می‌کنند، مشاهده بیشتر رفتارهای مادر در مقایسه با رفتارهای پدر، می‌تواند در افزایش تأثیرپذیری فرزند از مادر، نسبت به پدر، در ابعاد گوناگون و از جمله نگرش به موضوعات مختلف نقش داشته باشد. در دین اسلام نیز بر نقش تربیتی مادران تأکید ویژه‌ای شده است و روایات نقل شده در زمینه برخی ویژگی‌های زن که در همسرگزینی باید مورد توجه مرد قرار گیرد، شهادی بر این مطلب است (ر.ک.، جوادی‌آملی، ۱۳۹۳).

آثار تربیتی بی‌بدیل نقش مادری و توجه خاص آموزه‌های اسلامی نسبت به آن، حاکی از اهمیت جایگاه مادری در اسلام است (خانی مقدم، ۱۳۹۵). خداوند برای مادر

وظیفه پرورش، تزکیه و پالایش را قرار داده تا فرزند را با مربی‌گری خود، به درجات متعالی رشد و سلوک برساند. این وظیفه سنگین و حساس مادر است؛ زیرا کودک از ابتدای زندگی، مادر را تنها حلقه ارتباطی خود با دنیای مادی می‌داند. مادر اولین مربی کودک در زندگی است. مربی به معنای تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده و در اصطلاح معلمی است که به خیر و نیکی دعوت می‌کند. نقش الگویی، مهم‌ترین نقش مربی است و تفاوت مربی با معلم این است که معلم از طریق صحبت کردن، دیگران را دعوت به خیر می‌کند؛ ولی مربی با عمل، دعوت می‌کند. در واقع، همه رفتارهای مادر در جایگاه مربی، الگوی فرزند است (میرخانی، غروی نائینی و همدانیان، ۱۳۹۰). همچنین توجه به این نکته ضروری است که اگرچه مادری از مهمترین نقش‌های زن در خانواده است، اما در بیان نسبت میان دو نقش مادری و همسری باید گفت که علاوه بر آموزه‌های دینی که همسری را تکلیف واجب زن می‌داند، تحلیل‌های روان‌شناختی نیز اولویت را به نقش همسری می‌دهد. ایفای نقش همسری به نحو مطلوب و در نتیجه رابطه صحیح همسران، محور اساسی در تربیت است و آشفتگی در رابطه پدر و مادر منجر به ایجاد مشکل در فرزندپروری می‌شود. در واقع، یک سیستم زن و شوهری وجود دارد که محور خانواده است و پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که اگر سیستم زن و شوهری دچار ضعف شود، تمامی زیرسیستم‌های خانواده نیز ضعیف خواهند شد. بنابراین، اگر رابطه زن و شوهر دچار اختلال شود، رابطه والدین و فرزندان و در نتیجه فرزندپروری نیز دچار اختلال خواهد شد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده عدم تأثیر رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزند به ازدواج است که به نظر می‌رسد حاکی از کاهش نقش تربیتی پدر در خانواده دارد. تأکید بیش از حد بر اهمیت نقش مادر در تربیت فرزند می‌تواند آسیب به حاشیه رفتن پدر در امر تربیت را در پی داشته باشد. عدم همکاری پدر در امر تربیت، نابسامانی در تربیت فرزندان به‌ویژه پسران را به دنبال دارد؛ زیرا از سویی موجب شکل‌گیری هویت پسر با همانندسازی و الگوگیری از مادر در غیاب الگوی مردانه می‌شود و از سوی دیگر، جامعه‌پذیری فرزندان برای پذیرش و ایفای نقش‌های جنسیتی

را دچار اختلال می‌کند (حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۳) که در نهایت موجب مواجه شدن فرزندان با مشکلات مهمی در آینده خواهد شد. بنابراین، لازم است به نقش تربیتی پدران در خانواده توجه شود و تدابیری اندیشیده شود که پدران حضور پررنگ‌تری در تربیت فرزندان داشته باشند و همچنین آگاهی و مهارت‌های لازم را برای ایفای نقش مؤثر پدری کسب نمایند.

موضوع دیگری که در نتایج برجسته است، تأثیرگذاری تعاملات در مقایسه با آموزش‌های مستقیم است. تعاملات و عملکرد مادر در زندگی زناشویی خواسته و ناخواسته بر نگرش فرزندان به ازدواج تأثیرگذار است. یک اصل تربیتی مهم در تعاملات اجتماعی دقت در رفتار است؛ زیرا تأثیرگذاری رفتار بسیار بیشتر از گفتار است و بر این اساس، عملکرد مادر در زندگی، راهنمای عملی و الگوی فرزند است. روایات نقل شده در این زمینه نیز مؤید این مطلب است چنان که امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ...» (کلینی، ۱۳۶۷، ۷۸/۲). دین مبین اسلام بر مسئولیت والدین در قبال تربیت فرزندان و سرنوشت آنان سفارش اکید دارد و در این راستا حقوقی را برای فرزند بر عهده پدر مشخص کرده است که از جمله این حقوق آن است که اسلام یکی از وظایف اصلی پدر را به ازدواج درآوردن فرزند به وقت بلوغ او می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳). طبیعی است که به ازدواج درآوردن فرزند نیاز به مقدماتی از جمله ایجاد نگرش صحیح به ازدواج و تشکیل خانواده در فرزند دارد. در دوران کنونی خانواده با رقبای جدی تربیتی در برابر خود مواجه شده است و در نتیجه جایگاه تربیتی آن رو به افول است. مراجع یادگیری و آموزشی خارج از خانواده در تلاشند که بیشترین تأثیرگذاری را بر اندیشه و عملکرد جوانان داشته باشند؛ خانواده برای مصون ماندن از خطرات و آسیب‌هایی که فرزندان را تهدید می‌کند، باید ضمن پرهیز از دخالت‌های نابجا و موعظه‌های مداخله‌گرایانه، هوشمندانه فرزندان را هدایت نماید که لازمه آن آگاهی بخشی و توانمندسازی والدین در این زمینه است.

باتوجه به اهمیت ازدواج و کارکردهای مهم فردی و اجتماعی آن، به‌ویژه با رویکرد اسلامی - ایرانی، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌گذاری‌های ازدواج، بر نقش والدین در ایجاد

نگرش صحیح فرزندان به ازدواج توجه ویژه شود و در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با خانواده نیز، با آگاهی‌بخشی به والدین در زمینه نقش مؤثر آنان در نگرش و عملکرد فرزندان در زندگی خانوادگی آینده و ارائه آموزش‌های لازم به والدین، زمینه را برای تقویت نقش تربیتی خانواده بیش از پیش فراهم نمود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: فولادوند، محمدمهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. اکبری قمصری، امیر، و مهدی‌زاده مقدم، حسین (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی گرایش به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان و طلاب شهر تهران. *نشریه جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۲۰)، ۵۸-۸۵.
 ۲. باقریان، مهنوش، و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۰). ارتباط نگرش نسبت به ازدواج و طلاق با مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده در دانشجویان دانشکده پرستاری حضرت زینب (س) لارستان. *نشریه دنا*، ۱ و ۲(۶)، ۱۱-۲۰.
 ۳. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۴. بوجاری، سهیلا، و پرچم، اعظم (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود. *نشریه معرفت ادیان*، ۴(۳)، ۱۷-۳۶.
 ۵. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۳). *مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی*. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
 ۶. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۳). *مفاتیح الحیات*. قم: اسراء.
 ۷. چابکی، ام‌البنین، و زارعان، منصوره (۱۳۹۸). *درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناختی خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندآوری)*. تهران: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
 ۸. حاجی اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۳). *مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی*. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
 ۹. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تهران: مکتبه الاسلامیه.
 ۱۰. خجسته‌مهر، رضا، محمدی، علی، و عباس‌پور، ذبیح‌اله (۱۳۹۶). نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی. *نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶(۳)، ۳۴۳-۳۵۴.
 ۱۱. خانی‌مقدم، مهیار (۱۳۹۵). *بن‌مایه‌های اعتقادی نقش مادری زن در آموزه‌های وحیانی*. نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۴(۲۲)، ۱۲۷-۱۵۵.
 ۱۲. خجسته‌مهر، رضا، ممبینی، جعفر، و اصلانی، خالد (۱۳۹۲). مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دل‌بستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق. *نشریه روان‌شناسی مدرسه*، ۲(۳)، ۵۷-۷۵.

۱۳. دهقان‌نژاد، رضا، و بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۶). حقوق و وظائف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن. نشریه مطالعات قرآنی، ۸(۴)، ۲۹-۵۸.
۱۴. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۷). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. تهران: سمت.
۱۵. سالاری‌فر، محمدرضا، آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، سیدمهدی، کاویانی، محمد، تیبک، محمدتقی، و عباسی، اکبر (۱۳۹۸). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. سایت سازمان ثبت احوال کشور به آدرس <https://www.sabteahval.ir>
۱۷. سیاح، سرورالسادات، کوچک‌انتظار، رؤیا، و حسنی، فریبا (۱۳۹۶). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نگرش به ازدواج. نشریه رویش روان‌شناسی، ۶(۴)، ۹۳-۱۰۷.
۱۸. شریفی‌زاده، زینب (۱۳۹۱). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و نگرش مذهبی با نگرش به ازدواج و ادراک آمادگی ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۹. شعفی‌زاده، حانیه، پورنجاریان، سمانه، و سپهری شاملو، زهره (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به‌روش سیمیس بر تمایز یافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان. نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۹۲(۹)، ۱۲۰-۱۴۰.
۲۰. عباسی، قدرت‌اله، و حسینی، سیده‌سمیه (۱۳۹۷). همبستگی بین عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و رضایت از زندگی با نگرش به ازدواج در فرزندان جانبازان. نشریه طب جانباز، ۱۱(۱)، ۳۵-۴۰.
۲۱. عبدالله‌پور، بهزاد (۱۳۹۸). بررسی نگرش دانشجویان پرستاری نسبت به ازدواج و طلاق و رابطه آن با مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده. نشریه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶(۲)، ۴۳۷-۴۴۵.
۲۲. غلامی قره‌شیران، زهرا، ثنایی، باقر، کیامنش، علیرضا، و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۹). پیش‌بینی خوشنودی زناشویی بر پایه پختگی هیجانی و نگرش به پیوند زناشویی در زنان و مردان با همسرگیری زودهنگام و بهنجار. نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۱۰)، ۱۵۱-۱۷۸.
۲۳. کریمی، یوسف (۱۳۹۶). *روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)*. تهران: ارسباران.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۷). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴هـ.ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۶. منادی، مرتضی (۱۳۸۷). *درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری*. تهران: جیحون.
۲۷. موسوی، اشرف‌سادات (۱۳۹۲). *مشاوره قبل از ازدواج*. تهران: مهر کاویان.
۲۸. میرخانی، عزت‌السادات، غروی نائینی، نهله، و همدانیان، فاطمه (۱۳۹۰). نگره مقاصد شرعی و رسالت مادری. نشریه پژوهش‌نامه زنان، ۲(۱)، ۱۴۱-۱۱۷.
۲۹. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸هـ.ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: آل‌البیت لإحياء التراث.

۳۰. نیازی، محسن، شاطریان، محسن، و شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان). *نشریه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۶(۲)، ۲۷-۵۱.
۳۱. نیک‌خواه، هدایت‌اله، فانی، مریم، و اصغریور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳(۲۸)، ۹۹-۱۲۲.
۳۲. نیلفروشان، پریسا، نویدیان، علی، و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. *نشریه روان‌پرستاری*، ۱، ۳۵-۴۷.
۳۳. هویلی‌پور، سارا، شفیع‌آبادی، عبدالله، و سودانی، منصور (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرش‌های زناشویی فرزندان دختر در آستانه ازدواج کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب. *نشریه یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۳(۷)، ۸۱-۹۳.
۳۴. Adhikari, P. (۲۰۱۷). Attitudes of Present Generation towards Marriage: A Survey of Marriageable College Students. *Tribhuvan University Journal*, ۱- ۲(۳۱), ۱۶۷-۱۸۴.
۳۵. Akbas, M., Surucu, S. G., Koroglua, C. O., & Ozturk, M. (۲۰۱۹). Factors affecting marriage attitudes of university students. *Cukurova Medical Journal*, ۴۴(۱), ۹۳-۱۰۰.
۳۶. Alqashan, H., & Alkandari, H. (۲۰۱۰). Attitudes of Kuwaiti young adults toward marriage and divorce. *Advances in Social Work*, ۱(۱), ۳۳-۴۷.
۳۷. Charles, N., Davies, C., & Harris, C. C. (۲۰۰۸). *Families in transition: social change, family formation and kin relationships*. Policy Press.
۳۸. Cui, M., & Fincham, F. D. (۲۰۱۰). The differential effects of parental divorce and marital conflict on young adult romantic relationships. *Personal relationships*, ۱۷(۳), ۳۳۱-۳۴۳.
۳۹. De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K. (۲۰۲۱). Attitudes of Young Adults Toward Marriage and Divorce, ۲۰۰۲-۲۰۱۸. *Journal of Divorce & Remarriage*, ۱(۶۲), ۶۶- ۸۲.
۴۰. Hippen, K. A. (۲۰۱۶). *Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood*. Master Thesis. Georgia State University.
۴۱. Huang, Y. C., & Lin, S. H. (۲۰۱۴). Attitudes of Taiwanese college students toward marriage: A comparative study of different family types and gender. *Journal of Comparative Family Studies*, ۳(۴۵), ۴۳۸- ۴۵۰.
۴۲. Hymowitz, K., Caroll, J. S., Wilcox, W. B., & Kaye, K. (۲۰۱۳). *Knot yet: The benefits and costs of delayed marriage in America*. Charlottesville, VA: National Marriage Project.
۴۳. Kim, H. S., & Jung, Y. M. (۲۰۱۵). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among South Korean university students. *Indian Journal of Science and Technology*, ۱۹(۸), ۱-۸.

۴۴. Lazinski, M. J. (۲۰۱۶). *Young peoples' feelings about and attitudes towards marriage: the influence of attachment style and early family functioning*. Doctoral dissertation.
۴۵. Li, X. (۲۰۱۴). What influences the attitudes of people in the United States toward marriage? A critical review. *The Family Journal*, ۳(۲۲), ۲۹۲-۲۹۷.
۴۶. Moore, A. C. (۲۰۲۰). *An Examination of Emerging Counselors' and Therapists' Attitudes Toward Marriage*. Doctoral dissertation. University of the Walden.
۴۷. Shimkowski, J. R., Punyanunt-Carter, N., Colwell, M. J., & Norman, M. S. (۲۰۱۸). Perceptions of divorce, closeness, marital attitudes, romantic beliefs, and religiosity among emergent adults from divorced and nondivorced families. *Journal of Divorce & Remarriage*, ۳(۵۹), ۲۲۲-۲۳۶.
۴۸. Treas, J., Lui, J., & Gubernskaya, Z. (۲۰۱۴). Attitudes on marriage and new relationships: Cross-national evidence on the deinstitutionalization of marriage. *Demographic research*, ۳۰, ۱۴۹۵-۱۵۲۶.
۴۹. Willoughby, B. J., Carroll, J. S., Vitas, J. M., & Hill, L. M. (۲۰۱۲). "When are you getting married?" The intergenerational transmission of attitudes regarding marital timing and marital importance. *Journal of Family Issues*, ۳(۳۳), ۲۲۳-۲۴۵.
۵۰. Willoughby, B. J., & Dworkin, J. (۲۰۰۹). The relationships between emerging adults' expressed desire to marry and frequency of participation in risk-taking behaviors. *Youth & Society*, ۳(۴۰), ۴۲۶-۴۵۰.
۵۱. Wolchik, S., Christopher, C., Tein, J. Y., Rhodes, C. A., & Sandler, I. N. (۲۰۱۹). Long-term effects of a parenting preventive intervention on young adults' attitudes toward divorce and marriage. *Journal of divorce & remarriage*, ۴(۶۰), ۲۸۳-۳۰۰.